

سرنوشت امضای خلع‌گیری

نگاهی بر سوابق اختلافات مرزی ایران و عراق
در دوره پهلوی و عهدنامه ۱۹۷۵ م.
دکتر سیدجلال‌الدین مدنی

امید آن می‌رفت که با امضای اعلامیه الجزایر در مارس ۱۹۷۵ و بعد از آن امضای عهدنامه بغداد در ماه ژوئن همان سال، اختلافات دیرینه مرزی بین ایران و عراق به طور قطعی حل شده باشد و طرفین با امضای عهدنامه به اختلافات خود پایان دهند. اما بهانه جوئیهای عراق اندکی پس از امضای عهدنامه شروع شد و در اجرای مواد اصلی آن، بویژه علامت‌گذاری مرزها و تعیین خط تالوگ برای مرزهای رودخانه‌ای و جلوگیری از اقدامات خرابکارانه مرزنشینان کوتاهی و درنگ می‌نمود. وقوع انقلاب اسلامی و خروج ایران از سرسپردگی امریکا گویی بهترین بهانه برای نادیده گرفتن اصول عهدنامه بود و صدام با پاره کردن عهدنامه در یک نطق تلویزیونی، اقدامات تجاوزکارانه خود نسبت به ایران را آغاز کرد. بگذریم، خداوند با دست قدرت خود طومار صدام و صدامیان را در هم پیچید و عهدنامه الجزایر سرانجام در سرحدات غربی ایران حاکم شد و حقوق حقه ملت ایران تثبیت شد. هر چند که به قیمت جانفشانی بهترین فرزندان این آب و خاک به دست آمد. مقاله زیر سوابق اختلافات مرزی ایران و عراق را اجمالاً بررسی نموده است.



جنگ تحمیلی هشت ساله عراق به رهبری صدام حسین علیه ایران اسلامی در سپتامبر ۱۹۸۰ م. با لغو یک جانبه عهدنامه مرزی ۱۹۷۵ م. شروع شد. صدام که نمی‌توانست برنامه تجاوز به ایران را با وجود عهدنامه مرزی و حسن همجواری یاد شده در آن به انجام رساند، ناچار شد برخلاف تمامی موازین حقوق بین‌الملل آنرا لغو نماید. عهدنامه مرزی حسن همجواری براساس اصول مورد توافق دو کشور و طی اعلامیه‌ای در الجزیره به تاریخ ۶ مارس ۱۹۷۵ به امضا طرفین رسیده بود. در جهت اجرای این اصول از پانزدهم مارس تا سیزدهم ژوئن سال ۱۹۷۵ وزرای امور خارجه ایران و عراق با حضور وزیر خارجه الجزایر به ترتیب در تهران، بغداد، الجزیره و مجدداً بغداد گردهم آمدند که نتیجه این چهار جلسه که سه ماه نیز به طول انجامید امضای عهدنامه سیزدهم ژوئن ۱۹۷۵ در بغداد بود. بیشتر محققین و نویسندگان بین‌المللی الجزیره و عهدنامه بغداد تفاوتی قائل نیستند و در مباحث خود از قرارداد الجزایر یا عهدنامه الجزایر نام می‌برند در صورتیکه عهدنامه مذکور در بغداد به امضا رسید و به عهدنامه بغداد هم معروف است. ثانیاً عهدنامه مورد نظر در بیست و سوم خرداد به امضای طرفین رسید و ثالثاً در بردارنده یک مقدمه، هشت ماده^۱ یک الحاقیه^۲ و سه پروتکل^۳ همراه و چهار موافقتنامه تکمیلی بود.^۴ تمام این عهدنامه و سه پروتکل و ضمام آن و چهار موافقتنامه به تصویب قوه مقننه دولتی ایران و عراق رسید و اسناد تصویب آن در بیست و دوم ژوئن ۱۹۷۶ طی دیدار سعدون حمادی

وزیر خارجه عراق از ایران مبادله گردید و از همان تاریخ به مورد اجرا درآمد. این عهدنامه طبق ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد ضمن ثبت در دبیرخانه سازمان ملل تحت شماره‌های ۱۴۹۰۳ تا ۱۴۹۰۷ در سال ۱۹۷۶ رسمیت یافت. در تاریخ ۲۶ دسامبر ۱۹۷۶ صورتجلسه‌ای نیز در مورد حل و فصل قطعی کلیه مسائل و دعاوی بین وزرای امور خارجه دو کشور به امضا رسید. طبق این صورتجلسه دو کشور توافق نمودند فهرستی حاوی کلیه نکات مورد اختلاف ناشی از اجرای ماده چهار پروتکل راجع به علائم گذاری مجدد مرز زمینی و نیز کلیه دعاوی دیگر تنظیم کنند. در اجرای صورتجلسه مذکور در بیست و دوم ژوئن ۱۹۷۶ صورتجلسه دیگری بین دو کشور امضا شد که براساس آن کلیه مطالبات معلق بین دو کشور صرف نظر از ماهیت یا علت آن در تاریخ امضای صورتجلسه، فیصله یافته تلقی گردید.^۵ عهدنامه ۱۹۷۵ براساس اعلامیه الجزایر تنظیم شده بود که اعلامیه اخیر از یک مقدمه و چهار اصل تشکیل می‌شد « با رعایت اصل احترام به تمامیت ارضی و تجاوز ناپذیری مرزها و عدم دخالت در امور داخلی، طرفین تصمیم گرفتند: ۱- مرزهای زمینی خود را بر اساس پروتکل قطعنامه سال ۱۹۱۳ و صورتجلسه‌های کمیسیون تعیین مرز سال ۱۹۱۴ معین کنند ۲- مرزهای آبی براساس خط تالوگ تعیین خواهد شد ۳- با این کار، دو کشور امنیت و اعتماد متقابل را در امتداد مرزهای مشترک خویش برقرار خواهند ساخت. طرفین بدین سان متعهد می‌شوند که در مرزهای خود یک کنترل دقیق و موثر به منظور قطع هرگونه رخنه و نفوذ که جنبه خرابکارانه از هر سو داشته باشد، اعمال نمایند. ۴- دو طرف توافق کردند که نقض هر یک از مفاد فوق مغایر با روحیه توافق الجزیره می‌باشد.»

در جهت اجرای این اصول وزرای خارجه دو کشور با حضور وزیر خارجه الجزایر از پانزدهم مارس تا سیزدهم ژوئن چهار جلسه مذاکره در تهران و الجزیره و بغداد برگزار کردند. گفتگوها جمعا سه ماه به طول انجامید و امضا عهدنامه هشت ماده‌ای مورد بحث را به دنبال داشت.

به موجب ماده ۲ عهدنامه، «در پروتکل مربوط به تعیین مرز رودخانه‌ای بین ایران و عراق» مرز دو کشور در اروند رود تا دریا، خط تالوگ تعیین گردید. همچنین در صورت تغییرات ناشی از عوامل طبیعی در کانال اصلی قابل کشتیرانی، مرز همچنان خط تالوگ خواهد بود. اروند رود گاهی سالانه ده کیلومتر در بستر خود پیشروی دارد به این معنی که آبهای آن در بهار پیش رفته و در پاییز عقب می‌نشیند و به این ترتیب مسیر آن به طور دائم در حال تغییر است. با تعیین خط تالوگ به عنوان مرز آبی در اروند رود، عهدنامه فوق به یکی از قدیمی‌ترین اختلافات دو کشور خاتمه داد. تالوگ کلمه قدیمی است که معنی لغوی آن دره می‌باشد و در اصطلاح به این مفهوم است که عمیق‌ترین و قابل کشتیرانی‌ترین نقطه رودخانه مرز بین دو کشور

ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر
مخبر رضا شاه در مناکرات الجزیره
سال سوم / شماره ۲۲ / آذر ۱۳۸۳



شاه در هنگام بازدید از نقاط مرزی



صلام در مناکرات الجزیره

باشد. ^۶ کارشناسان صاحب‌نظر در رابطه با ابروند رود خط تالوگ را عادلانه می‌دانند زیرا آبی که در ابروند رود جریان می‌یابد و به دریا می‌ریزد از رودخانه‌های داخلی ایران و عراق تقریباً به یک اندازه استفاده می‌کند. رود کارون مهمترین رودخانه ایران که به ابروند رود می‌ریزد با هر یک از رودخانه‌های دجله و فرات قابل مقایسه می‌باشد. همچنین قسمت عمده کشتیرانی در ابروند رود قبل از جنگ تحمیلی متوجه دو بندر مهم آبادان و خرمشهر بود، به طوری که بیش از ۷۵ درصد از حجم کشتیرانی در ابروند رود به ایران تعلق داشت. در سال ۱۹۷۵ م حکومت عراق حاضر به پذیرفتن شرط مزبور نشده و به عهدنامه سال ۱۹۳۷ استناد می‌کرد. اما عهدنامه سال ۱۹۳۷ به هیچ وجه مورد قبول ایران نبود و دولت ایران عملاً از سال ۱۹۶۹ م خط تالوگ را در ابروند رود به رسمیت می‌شناخت. هرچند عهدنامه ۱۹۷۵ وضع عملی موجود را تأیید نمود اما این عهدنامه نیز تمام حقوق طبیعی و قانونی ایران را تأمین نمی‌کرد. تعیین خط تالوگ به عنوان مرز دو کشور در ابروند رود، امتیاز جدیدی برای دولت ایران محسوب نمی‌گردید بلکه صرفاً تأییدی بر وضع موجود بود. از آنجا که اصل تالوگ از موارد پذیرفته شده حقوق بین الملل عمومی در مورد رودخانه‌های مرزی تمام کشورهاست دولتین ایران و عراق نمی‌توانستند در عهدنامه ۱۹۷۵ خلاف اصل تالوگ را بپذیرند زیرا در آن صورت عهدنامه مذکور فاقد اعتبار بود. طبق ماده ۵۳ کنوانسیون وین (۱۹۶۹ م) در مورد حقوق معاهدات، هر عهدنامه‌ای که در زمان انعقاد با یکی از اصول لازم‌الرعایه حقوق بین الملل عمومی تعارض داشته باشد فاقد اعتبار است. به دلیل آنکه عهدنامه ۱۹۷۵ بین ایران و عراق شش سال پس از کنوانسیون وین منعقد گردید لزوماً می‌بایست با مفاد این کنوانسیون هماهنگ باشد. دولت ایران در مقابل اجرای اصل تالوگ قسمتی از اراضی خود را در قلمرو زمینی به عراق واگذار کرد. به موجب ماده یکم پروتکل علامت‌گذاری مجدد مرز بین ایران و عراق، مرز زمینی دو کشور براساس پروتکل سال ۱۹۱۳ استانبول و صورت‌جلسات کمیسیون تحدید حدود ایران و عثمانی در سال ۱۹۱۴ تعیین گردید. پروتکل استانبول و صورت‌جلسات منضم به آن حدود هفتصد مایل مربع از اراضی متعلق به ایران را به دولت عثمانی واگذار کرده بود. متأسفانه در سال ۱۹۷۵ م در حالیکه ایران توانایی و امکان گرفتن امتیاز از عراق را داشت از این موقعیت استفاده نکرد. برخلاف آنچه مشهور است، رژیم عراق با وجود ضعف نظامی و انزوای سیاسی حداکثر بهره‌برداری را از قرارداد ۱۹۷۵ برد. متعاقب انعقاد قرارداد مذکور موقعیت متزلزل رژیم بعث عراق استحکام یافته و این رژیم مقداری از اراضی ایران را به دست آورد. صدام (معاون ریاست جمهوری وقت عراق) در مجمع ملی این کشور عهدنامه ۱۹۷۵ را یک پیروزی بزرگ برای مردم عراق و خود دانست و اذعان کرد این عهدنامه امنیت، وحدت ملی و ارتش عراق را نجات داده است. با این وجود در سالهای بعد

رژیم حاکم برعراق جهت آغاز جنگی که باید علیه انقلاب و نظام اسلامی صورت می‌داد همان عهدنامه‌ای که نقطه پیروزی برای عراق تلقی می‌کرد، یک جانبه و برخلاف حقوق بین المللی و با نقض کنوانسیون وین (طبق بند ۲ ماده ۶۳ این کنوانسیون، عهدنامه‌های مرزی را نمی‌توان لغو کرد) عهدنامه ۱۹۷۵ را باطل اعلام نمود تا بهانه‌ای برای آغاز جنگ داشته باشد. واضح است این تنها صدام نبود که جنگ هشت ساله‌ای را به ملت ایران تحمیل کرد بلکه قدرتهای استکباری او را به این امر واداشتند. این قدرتها مایل بودند انقلاب نوپای اسلامی را که با اهداف و شعارهایش خاورمیانه را به لرزه درآورده بود متوقف نمایند و در صورت امکان این انقلاب را با ارتش قدرتمند بعثی عراق متلاشی سازند. صدام نیز می‌دانست که دو ابر قدرت اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا بر این تهاجم و آغاز جنگ اتفاق نظر دارند. مراحل جنگ، تصمیمات سازمان ملل متحد جهت توقف آن و اعترافات و اطلاعاتی که در سالهای اخیر به دست آمده است همگی حکایت از یک توطئه بزرگ جهانی علیه انقلاب اسلامی دارد که ندای عدالت خواهی، ظلم ستیزی و حمایت از مستضعفین را سر داده بود. رژیم حاکم بر عراق که محکوم به شکست و نابودی بود به خیال پیروزی سریع به مرزهای ایران تجاوز کرد در حالیکه کنوانسیون سالهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه، پیمان بریان کلوگ در سال ۱۹۲۸ و منشور ملل متحد همگی توسل به زور جهت حل و فصل اختلافات را منع نموده بودند. قرارداد ۱۹۷۵ نیز جایی برای منازعه نظامی باقی نگذاشته بود. با این وجود جنگی بر ملت ایران تحمیل شد که خسارات آن بر کشور تا هزار میلیارد دلار ارزیابی می‌شود. بر اثر این تجاوز سرزمین ایران صدها هزار شهید و جانباز جهت حفظ استقلال خود تقدیم نمود. در حالیکه در برابر تمام جنایات صدام قدرتهای بزرگ جهان سکوت کرده و حتی به او یاری می‌رسانند، ملت ایران در پایان با پیروزی و سرفرازی این جنگ را به پایان رساند و فرزندان ایران تجربه بزرگی از آن به دست آوردند.

پی نوشت‌ها

۱- مقدمه و متن عهدنامه: «نظر به اراده صادقه طرفین منسک در توافق الجزیره مورخ ۶ مارس ۱۹۷۵ برای نیل به حل و فصل قطعی و پایداری کلیه مسائل ما به اختلاف، طرفین براساس پروتکل قسطنطنیه مورخ ۱۹۱۳ م و صورت‌جلسات کمیسیون تحدید حدود ۱۹۱۴ به علامت‌گذاری مجدد قطعی مرز زمینی، و بر مبنای خط تالوگ به تحدید مرز رودخانه ای خود مبادرت نموده‌اند. با توجه به اراده طرفین به برقراری امنیت و اعتماد متقابل در طول مرز مشترک و نظر به پیوندهای تاریخی، مذهبی، فرهنگی و تمدنی موجود بین ملت‌های ایران و عراق، با تمایل به تحکیم پیوندهای مودت و حسن همجواری و تشدید مناسبات فی مابین در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی و توسعه مبادلات و مناسبات انسانی بین مردم خود، براساس اصل تمامیت ارضی و مصونیت مرزها از تجاوز و عدم مداخله در امور داخلی، با تصمیم به بذل مسامی در جهت برقراری عصری جدید در مناسبات دوستانه بین ایران و عراق بر مبنای احترام کامل به استقلال ملی و حاکمیت

مسواوی دولتها- با اعتقاد به مشارکت در اجرای اصول و تحقق آمال و اهداف میثاق ملل متحد از این طریق- طرفین تصمیم به انعقاد عهدنامه حاضر گرفتند و بدین منظور نمایندگان تام‌الاختیار خود را به ترتیب ذیل تعیین نمودند: اعلیحضرت شاهنشاه ایران جناب آقای عباسعلی خلعتیری وزیر امور خارجه ایران و حضرت رئیس جمهور عراق، جناب آقای سعید حمادی وزیر امور خارجه عراق را تعیین نمودند.

مشارالیهام پس از ارائه اختیارنامه‌های خود که در کمال صحت و اعتبار بود نسبت به مقررات مشروحه ذیل توافق نمودند:

ماده ۱- طرفین معظمین متعاهدین، تأیید می‌نمایند که مرز زمینی دولتی بین ایران و عراق همان است که علامت‌گذاری مجدد آن براساس و طبق مقررات مندرج در پروتکل مربوط به علامت‌گذاری مجدد مرز زمینی و ضمامت پروتکل مذکور که به این عهدنامه ملحق می‌باشند، انجام یافته است. ماده ۲- طرفین تأیید می‌نمایند که مرز دولتی در شط العرب همان است که تحدید آن براساس و طبق مقررات مندرج در پروتکل مربوط به تحدید مرز رودخانه‌ای و ضمامت پروتکل مذکور که به این عهدنامه ملحق می‌باشند، انجام یافته است. ماده ۳- طرفین، متعهد می‌شوند که بر اساس و طبق مقررات مندرج در پروتکل مربوط به امنیت در مرز که ضمامت آن ملحق به این عهدنامه می‌باشند، در طول مرز به طور مداوم

کنترل دقیق و موثر به منظور پایان دادن به هر نوع رخنه اخلاص گرانه، صرف نظر از منشا آن، اعمال دارند. ماده ۴- طرفین متعاهدین تأیید می‌نمایند که مقررات سه پروتکل و ضمامت آنها مذکور در مواد ۲، ۳ و ۴ عهدنامه حاضر که پروتکل‌های فوق‌الذکر به آن ملحق و جزء لا یتجزای آن می‌باشند، مقرراتی قطعی، دائمی و غیرقابل نقض بوده و عناصر غیر قابل تجزیه یک راه حل کلی را تشکیل می‌دهند. نتیجتاً خدشه در هر یک از عناصر متشکله این راه حل کلی، اصولاً مغایر با روح توافق الجزیره خواهد بود. ماده ۵- در قالب غیرقابل تغییر بودن مرزها و احترام کامل به تمامیت اراضی دو دولت، طرفین تأیید می‌نمایند که خط مرزی زمینی و رودخانه‌ای آنان لاینفک، دائمی و قطعی می‌باشد.

ماده (۶-۱)- در صورت اختلاف درباره تفسیر یا اجرای عهدنامه حاضر و سه پروتکل و ضمامت آنها، این اختلاف با رعایت کامل مسیر خط مرز ایران و عراق مندرج در مواد ۲ و ۳ فوق‌الاشاره و نیز با رعایت حفظ امنیت در مرز ایران و عراق طبق ماده ۳ فوق‌الذکر حل و فصل خواهد شد.

(۶-۲)- این اختلاف در مرحله اول طی مهلت دو ماهه از تاریخ درخواست یکی از طرفین از طریق مذاکرات مستقیم دو جانبه بین طرفین حل و فصل خواهد شد.

(۶-۳)- در صورت عدم توافق، طرفین ظرف مدت سه ماه به مسامی جمعیله یک دولت ثالث دوست توسل خواهند جست.

(۶-۴)- در صورت خودداری هر یک از طرفین از توسل به مسامی جمعیله یا عدم موفقیت مسامی جمعیله- اختلاف طی مدت یکماه از تاریخ رد مسامی جمعیله یا عدم موفقیت آن- از طریق داوری حل و فصل خواهد شد

(۶-۵)- در صورت عدم توافق بین طرفین نسبت به آئین و یا نحوه داوری، هر یک از طرفین می‌توانند ظرف پانزده روز از تاریخ احراز عدم توافق به یک دادگاه داوری مراجعه نمایند. برای تشکیل دادگاه داوری و برای حل و فصل هر یک از اختلافات، هریک از طرفین یکی از اتباع خود را به عنوان داور تعیین خواهند نمود و این دو نیز یک سر داور انتخاب خواهند کرد. اگر طرفین ظرف مدت یک ماه پس از وصول درخواست داوری از جانب یکی از طرفین از دیگری، به تعیین داور مبادرت ننمایند و یا چنانچه داوران قبل از انتضای همین مدت در انتخاب سر داور به توافق نرسند، طرف متعهده‌ی که داوری را درخواست نموده است حق خواهد داشت از دیوان دادگستری تقاضا نماید تا طبق مقررات دیوان دائمی داوری، داورها یا سر داور را تعیین نمایند.

(۶-۶)- تصمیم دادگاه داوری برای طرفین الزام آور و لازم الاجرا خواهد بود. طرفین هر کدام نصف هزینه داوری را به عهده خواهند گرفت.



متاسفانه در سال ۱۹۷۵ م. در حالیکه ایران توانایی و امکان گرفتن امتیاز از عراق را داشت از این موقعیت استفاده نکرد. برخلاف آنچه مشهور است، رژیم عراق با وجود ضعف نظامی و انزوای سیاسی حداکثر بهره‌برداری را از قرارداد ۱۹۷۵ برد. متعاقب انعقاد قرارداد مذکور موقعیت متزلزل رژیم بعث عراق استحکام یافته و این رژیم مقداری از اراضی ایران را به دست آورد

تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ در بغداد امضا شده است بوده و همزمان با عهدنامه فوق‌الذکر به تصویب خواهد رسید. بغداد: ۲۴ دسامبر ۱۹۷۵، از طرف ایران: عباسعلی خلعتبری از طرف عراق: سعدون حمادی

۳- سه پروتکل همراه عبارتند از: ۱- پروتکل راجع به علامت‌گذاری مجدد مرز زمینی بین ایران و عراق که در ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ به امضا نمایندگانی دو کشور رسیده است و سپس صورتجلسه آن براساس اصول مورد توافق تنظیم شد ۲- پروتکل راجع به مرز رودخانه‌های بین ایران و عراق ۳- پروتکل مربوط به امنیت در مرز ایران و عراق.

۴- عهدنامه ۱۹۷۵ بغداد دارای چهار موافقتنامه تکمیلی است که در ۲۶ دسامبر ۱۹۷۵ در بغداد به امضا طرفین رسید. این مواد تکمیلی عبارتند از: موافقتنامه راجع به مقررات مربوط به کشتیرانی در اروندرود، موافقتنامه راجع به استفاده از آب رودخانه‌های مرزی، موافقتنامه راجع به تعریف احشام، موافقتنامه راجع به کلانتران مرزی. ضمیمه شماره یک پروتکل راجع به علامت‌گذاری مجدد مرز زمینی بین ایران و عراق (۱۹۷۵) است که از صفحه ۱۰۲ تا ۱۵۰ یعنی حدود ۵۰ صفحه از مجموعه قوانین را به خود اختصاص داده است که در آن شرح دقیق و قدم به قدم مرز دو کشور با مختصات میل‌های مرزی معین شده است. پروتکل تعیین مرز رودخانه‌ای بین ایران و عراق نیز با این عبارت شروع می‌شود: «طبق تصمیم متخذه در اعلامیه مورخ ۶ مارس ۱۹۷۵ الجزیره، طرفین متعهدین نسبت به مقررات ذیل توافق نمودند:

ماده ۱- طرفین، تایید و اذعان می‌نمایند که تعیین مرز دولتی رودخانه‌ای در شط العرب بین ایران عراق براساس خط تالوگ توسط کمیته مختلط ایران، عراق و الجزایر طبق اسناد زیر انجام گردیده است:

۱- پروتکل تهران مورخ ۱۷ مارس ۱۹۷۵- ۲- صورتجلسه اجتماع

ماده ۷- این عهدنامه حاضر و سه پروتکل و ضمیمه آنها طبق ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد به ثبت خواهد رسید.

ماده ۸- عهدنامه حاضر و سه پروتکل و ضمیمه آنها طبق مقررات داخلی به وسیله هر یک از طرفین به ثبت تصویب رسید و از تاریخ مبادله به اجرا در خواهند آمد.

بغداد: ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵- عباسعلی خلعتبری وزیر خارجه ایران- سعدون حمادی وزیر خارجه عراق.

۲- متن الحاقیه: «با بررسی مجدد متن بند ۵ ماده ۶ عهدنامه حسن همجواری ایران و عراق طرفین نسبت به مقررات ذیل توافق نمودند:

آخرین قسمت بند ۵ ماده ۶ عهدنامه فوق‌الذکر جمله: «طبق مقررات دیوان دائمی داور» حذف و جملات ذیل جانشین آن می‌شود:

اگر دیوان بین المللی دادگستری معذور بوده و یا از اتباع یکی از طرفین باشد، انتساب داورها یا سر داور به وسیله نایب وی انجام خواهد شد. چنانچه شخص اخیر الذکر نیز معذور بوده و یا از اتباع یکی از طرفین باشد، انتخاب داوران یا سرداور به وسیله مسن‌ترین عضو دیوان که از اتباع هیچیک از طرفین نباشد انجام خواهد شد.» طرفین توافق نامه‌ای که موضوع اختلاف و نحوه رسیدگی به آن را تعیین نماید، تنظیم خواهند نمود. در صورت عدم تنظیم توافقنامه در مهلت پانزده روز از تاریخ تشکیل دادگاه و یا در صورت فقدان قرائن یا مشخصات کافی در متن توافقنامه مذکور درباره نکات مندرج در بند قبل، در صورت لزوم مقررات کنوانسیون لاهه مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی به مورد اجرا گذارده خواهد شد. در صورت عدم ذکر موضوع در متن توافقنامه و یا در صورت عدم تنظیم توافقنامه، دادگاه قواعد ماهوی مندرج در ماده ۲۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری را اجرا خواهد نمود. این الحاقیه جز لاینجزای عهدنامه مربوط به مرز دولتی و حسن همجواری بین ایران و عراق که در

وزیران امور خارجه امضا شده در بغداد به تاریخ ۲۰ آوریل ۱۹۷۵ که طی آن صورتجلسه کمیته مامور تعیین مرز رودخانه ای مورخ ۱۶ آوریل ۱۹۷۵ امضا شده روی کشتی عراقی النوره در شط العرب، مورد تصویب قرار گرفته است. ۳- نقشه های هیدروگرافیک مشترک که پس از ممیزی در محل و اصلاح و درج مختصات جغرافیایی نقاط عبور خط مرز در ۱۹۷۵ به امضای متخصصین هیدروگرافی کمیسیون فنی مختلط رسیده و توسط روسای هیاتهای ایران، عراق و الجزایر در کمیته، مورد تصدیق واقع گردید. نقشه های فوق الذکر که ذیلا به آنها اشاره می شود منضم به پروتکل حاضر بوده و جزء لاینجزای آن می باشند. نقشه شماره

یک Entrance To shatt el Arab: No ۴۸۴S

که توسط دریاداری بریتانیا به چاپ رسیده است. نقشه شماره دو که توسط دریاداری بریتانیا به چاپ رسیده است. نقشه شماره سه

دریاداری بریتانیا به چاپ رسیده است. نقشه شماره سه Inner Bur to Kabda Point: No ۴۸۵E

که توسط دریاداری بریتانیا به چاپ رسیده است. نقشه شماره سه Kabda point to Abadan : No ۴۸۵B

که توسط دریاداری بریتانیا به چاپ رسیده است. نقشه شماره چهار

دریاداری بریتانیا به چاپ رسیده است. نقشه شماره چهار Abadan To jaziratimmat Tuway Lah : No ۴۸۵C

که توسط دریاداری بریتانیا به چاپ رسیده است.

ماده (۱-۲) - خط مرزی در شط العرب از نقطه ای که مرز زمینی بین ایران و عراق به شط العرب می رسد تا دریا مسیر خط تالوگ یعنی خط میانه کانال اصلی قابل کشتیرانی در پایین ترین سطح قابل کشتیرانی- را طی می کند.

(۲-۲) - خط مرزی به نحوی که در بند ۱ فوق تعریف شده با تغییرات ناشی از علل طبیعی در کانال اصلی قابل کشتیرانی تغییر خواهد نمود. خط مرزی بر اثر تغییرات دیگر تغییر نخواهد کرد مگر آنکه طرفین موافقتنامه خاصی برای این منظور منعقد نمایند

(۳-۲) - تغییرات مذکور در بند دوم متفقا به وسیله دستگاههای فنی ذی صلاح طرفین ثبت خواهد شد.

(۴-۲) - در صورتیکه بر اثر حوادث طبیعی بستر شط العرب یا مصب آن جابجا شود و این امر تغییراتی را در تعلق ملی سرزمین دولت مربوطه یا اموال غیر منقول و ساختمانها یا تاسیسات فنی

و غیر فنی موجب شود، مسیر خط مرز کماکان خط تالوگ به نحوی که در بند اول فوق مقرر شده، خواهد بود.

(۵-۲) - در مواردی که طرفین متفقا تصمیم بگیرند که مسیر بایستی بستر جدید را تعقیب کند، آنها - طبق مندرجات چهار نقشه مشترک پیش بینی شده در بند سوم ماده اول فوق - به هزینه طرفین به بستری که در سال ۱۹۷۵ داشته است برگردانده می شود مشروط براینکه یکی از طرفین ظرف دو سال متعاقب اینکه جابه جا شدن بستر توسط هر یک از آنان شناسایی شده باشد، چنین تقاضایی را به عمل آورد. در خلال این مدت حق طرفین در کشتیرانی و استفاده از آب در بستر جدید محفوظ خواهد بود.

ماده (۱-۳) - مرز رودخانه ای در شط العرب بین ایران و عراق به نحوی که در ماده ۲ فوق تعریف شده به وسیله خطی برروی نقشه های مشترک- موضوع بند ۲ ماده اول فوق- مشخص گردیده است.

(۲-۳) - طرفین توافق داشتند که منتهی الیه مرز رودخانه ای روی خط مستقیمی که انتهای دو ساحل را در مصب شط العرب هنگام جزر دریا (Astronomical Lowest water) به یکدیگر پیوند می دهد قرار دارد. این خط مستقیم برروی نقشه های هیدروگرافیک مشترک مذکور در بند ۳ ماده اول فوق ترسیم شده است.

ماده ۴- خط مرزی مشروحه در مواد ۱و ۳و پروتکل حاضر در جهت عمودی، فضای هوایی و زیر زمینی طرفین را تحدید می کند.

ماده ۵- طرفین یک کمیسیون مختلط ایرانی و عراقی تشکیل می دهند تا ظرف دو ماه وضع اموال غیر منقول و ساختمانها و تاسیسات فنی و غیرفنی را که تعلق ملی آنها بر اثر تحدید مرز رودخانه ای ایران و عراق تغییر می یابد، از طریق بازرخید و یا جبران خسارت و یا از طریق هر روش مقتضی دیگر، حل و فصل نماید تا از وجود اختلاف اجتراز گردد.

ماده ۶- با توجه به اتمام اقدامات اندازه گیری در شط العرب و ترسیم نقشه مشترک هیدروگرافیک مذکور در بند ۳ ماده یک فوق، طرفین توافق نمودند مجددا یک اندازه گیری مشترک هر ده سال یکبار از تاریخ امضای پروتکل حاضر انجام پذیرد. مع الوصف هر یک از طرفین حق دارد درخواست نماید، به اندازه گیری مشترک جدید قبل از

انقضای مهلت ده سال مبادرت گردد. طرفین متعهدین هر یک نصف هزینه های اندازه گیری را به عهده خواهند داشت.

ماده (۷-۱) - کشتیهای تجاری، دولتی و نظامی طرفین از آزادی کشتیرانی در شط العرب برخوردار خواهند بود. صرفنظر از حدود دریای سرزمینی، هر یک از دو کشور در تمامی قسمت کانالهای قابل کشتیرانی واقع در دریای سرزمینی تا مصب شط العرب از این حق برخوردارند.

(۷-۲) - کشتیهای مورد استفاده برای تجارت و متعلق به کشورهای ثالث براساس مساوات و عدم تبعیض از آزادی کشتیرانی در شط العرب برخوردار خواهند بود. (صرف نظر از حدود دریای سرزمینی هر یک از دو کشور در تمامی قسمت کانالهای قابل کشتیرانی واقع در دریای سرزمینی تا مصب شط العرب)

(۷-۳) - هر یک از طرفین می توانند ورود کشتیهای نظامی خارجی را در شط العرب برای بازدید از بنادر خود اجازه دهند مشروط براینکه کشتیهای مزبور به کشوری که در حال مخاصمه یا تعرض مسلحانه و یا جنگ با یکی از طرفین باشد، متعلق نبوده و مراتب در مهلتی که از ۲۲ ساعت کمتر نباشد به طرف دیگر اعلام گردد.

(۷-۴) - طرفین در تمام احوال از صدور اجازه ورود به شط العرب برای کشتیهای تجاری متعلق به کشوری که در حال مخاصمه یا تعرض مسلحانه و یا جنگ با یکی از طرفین باشد اجتناب خواهند نمود.

ماده (۸-۱) - مقررات مربوط به کشتیرانی در شط العرب توسط یک کمیسیون مختلط ایرانی و عراقی بر مبنای اصل حقوق متساوی کشتیرانی دو دولت تنظیم خواهد شد.

(۸-۲) - طرفین کمیسیونی به منظور تنظیم مقررات مربوط به جلوگیری و کنترل آلودگی شط العرب تشکیل خواهند داد

(۸-۳) - طرفین متعهد می شوند متعاقبا موافقتنامه هایی درباره مسائل مذکور در بندهای ۱و ۲ ماده حاضر منعقد نمایند

ماده ۹- طرفین با اذعان به اینکه شط العرب اصولا یک آبراه کشتیرانی بین المللی است متعهد می شوند از هر نوع بهره برداری که مانع کشتیرانی در شط العرب و دریای سرزمینی هر یک از دو کشور در تمامی قسمت آبهای قابل کشتیرانی واقع در دریای



صحنه هایی از درگیری های پراکنده بین ایران و عراق در دهه ۵۰ شمسی

سرزمینی تا مصب شط العرب گردد، اجتناب نمایند. بغداد: به تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵؛ توسط خلعتبری وزیر خارجه ایران و سعدون حمادی وزیر خارجه عراق و با حضور جناب آقای عبدالعزیز بوتفلیقه عضو شورای انقلاب و وزیر خارجه الجزایر به امضا رسید.

پروتکل مربوط به امنیت در مرز بین ایران و عراق: طبق تصمیمات مندرج در توافق الجزیره مورخ ۶ مارس ۱۹۷۵ با علاقه به برقراری امنیت و اعتماد متقابل در طول مرز مشترک فیما بین با تصمیم به اعمال کنترل دقیق موثر برای پایان دادن به هر نوع رخنه اخلاص گرانه و به منظور برقراری همکاری نزدیک فیما بین و جلوگیری از هر نوع عمل رخنه گرانه یا تردد غیر قانونی در مرز مشترک که هدف آن اخلاص و عدم انقیاد و شورش باشد. با عطف به پروتکل مورخ ۱۵ مارس ۱۹۷۵ تهران و صورتجلسه اجتماع وزیران خارجه مورخ ۲۰ آوریل ۱۹۷۵ بغداد و صورتجلسه اجتماع وزیران خارجه مورخ ۲۰ مه ۱۹۷۵ الجزیره، طرفین متعهدین نسبت به مقررات ذیل توافق نمودند:

ماده (۱-۱)- طرفین به مبادله اطلاعات مربوط به تردد عناصر اخلاص گر که سعی کنند برای ارتکاب عملیات اخلاص گرانه، و عدم انقیاد و یا شورش به داخل یکی از دو کشور نفوذ کنند، مبادرت خواهند نمود. (۲-۲)- طرفین تدابیر مقتضی مربوط به تردد عناصر موضوع بند ۱ ماده حاضر اتخاذ خواهند نمود. طرفین بلافاصله هویت این افراد را به یکدیگر اطلاع خواهند داد و بدیهی است که کلیه کوششها را به منظور جلوگیری از ارتکاب اعمال اخلاص گرانه توسط این افراد مینول خواهند داشت. عین همین تدابیر نسبت به افرادی که در داخل سرزمین یکی از طرفین به قصد ارتکاب اعمال اخلاص گرایانه یا خرابکاری در سرزمین طرف دیگر تجمع نمایند، اتخاذ خواهد شد.

ماده ۲- همکاری همه جانبه ای که بین مقامات ذیصلاح طرفین برقرار گردیده و مربوط به تعیین مرزها برای جلوگیری از رخنه عناصر اخلاص گر می باشد، در سطح مقامات مرزی طرفین تا بالاترین سطوح یعنی وزیران دفاع و امور خارجه و داخله خواهد شد. ماده ۳- معبرهای نفوذی که ممکن است به وسیله عناصر اخلاص گر مورد استفاده قرار گیرد به ترتیب زیر تعیین می شود: ۱- ناحیه مرزی شمالی: از نقطه التقای مرزهای ایران، ترکیه و عراق تا خانقین و قصر شیرین (با احتساب قصر شیرین ۲۱ نقطه) ۲-

ناحیه مرزی جنوب: از خانقین و قصر شیرین (بدون احتساب قصر شیرین تا منتهی الیه مرز ایران و عراق ۱۷ نقطه) ۳- معابر نفوذی فوق الذکر در ضمیمه تعیین شده اند. ۴- هر معبر نفوذی دیگر که متعاقبا کشف شده و بسن و کنترل آن لازم باشد جز معابر معین شده فوق محسوب می شود. ۵- کلیه گذرگاه های مرزی به استثنای آنهایی که در حال حاضر تحت کنترل مقامات گمرک می باشند برای هر نوع عبور ممنوع خواهند بود. ۶- با توجه به گسترش مناسبات همه جانبه بین دو کشور همسایه، طرفین متعهدین توافق دارند که در آینده گذرگاههای دیگری تحت کنترل مأموران گمرک- با موافقت مشترک ایجاد گردد. ماده (۳-۴)- طرفین متعهد می شوند وسایل انسانی و مادی لازم را به منظور تأمین موثر بسن و کنترل مرزها مورد استفاده قرار دهند به نحویکه از هر نوع رخنه عناصر اخلاص گر از گذرگاههای مذکور در ماده ۳ فوق منمات به عمل آید.

(۴-۲)- در صورتیکه حسب تجربیات مکتسبه در این مورد کارشناسان تشخیص دهند که تدابیر موثرتری می باید اتخاذ گردد طی اجلاس ماهیانه مقامات مرزی دو کشور و یا عند لزوم از طریق ملاقات بین مقامات مزبور ترتیب آن داده خواهد شد.

نتایج حاصله و صورتجلسات ملاقاتهای فوق به مقامات عالی هر یک از طرفین اعلام خواهد شد در صورتیکه اختلافی بین مقامات مرزی طرفین بروز کند روسای ادارات مربوطه با یکدیگر در بغداد یا در تهران ملاقات خواهند نمود تا نظریات خود را به یکدیگر نزدیک کرده و نتایج اجلاس خود را در یک صورتجلسه درج نمایند. ماده (۵-۱)- افراد اخلاص گر بازداشت شده به مقامات ذیصلاح طرفی که بازداشت در سرزمین او صورت گرفته است تحویل می گردد و مقررات جاری در مورد آنان به اجرا گزارده خواهد شد. (۲-۵)- طرفین متقابلا تدابیری را که علیه افراد موضوع بند ۱

فوق اتخاذ کرده اند به اطلاع یکدیگر خواهند رساند.

(۳-۵)- در صورت عبور از مرز به وسیله افراد اخلاص گر فراری بلافاصله این امر به مقامات کشور دیگر اطلاع داده خواهد شد و این مقامات کلیه تدابیر لازم را برای تسهیل دستگیری افراد مذکور اتخاذ خواهند نمود.

ماده ۶- در صورت لزوم با توافق طرفین ممکن است مناطقی را برای جلوگیری از تحقق مقاصد افراد اخلاص گر، ممنوعه اعلام نمود ماده ۷- به منظور برقراری و گسترش یک همکاری متقابل به نفع طرفین یک کمیته مختلط دائمی متشکل از روسای ادارات مرزی و نمایندگان وزارتخانه های امور خارجه دو کشور ایجاد می گردد. این کمیته دو اجلاس سالانه ترتیب خواهد داد. مع الوصف حسب درخواست هر یک از طرفین، ممکن است اجلاس فوق العاده ای به منظور بررسی و استفاده بهتر از وسایل معنوی و مادی برای بسن و کنترل مرز و نیز برای اعمال و اجرای صحیح مقررات همکاری پیش بینی شده در پروتکل حاضر، ترتیب آن داده شود.

ماده ۸- مقررات پروتکل حاضر صدمه ای به توافقات خاص در مورد حق تعریف احشام یا در مورد کمیته های مرزی وارد نخواهد کرد. ماده ۹- به منظور برقراری امنیت در مرز رودخانه ای مشترک در شط العرب و جلوگیری از رخنه عناصر اخلاص گر از هر دو جهت طرفین تدابیر مقتضی بالاخص از طریق ایجاد پستهای نظارت مجزبه به قایقهای گشتی اتخاذ خواهند نمود. بغداد: ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵. وزیر خارجه ایران خلعتبری- وزیر خارجه عراق حمادی با حضور بوتفلیقه وزیر خارجه الجزایر.

۵- سوابق اختلافات مرزی ایران و عراق که منجر به عهدنامه ۱۹۷۵ شد را می توان به این ترتیب مرور نمود: در دوره امپراتوری عثمانی عراق بخشی از آن بود. اختلافات دو کشور ایران و عثمانی غالبا نسبت به سرحدات مطرح می گردید. عثمانیها هیچگاه نسبت به حاکمیت ایران بر اروند رود اعتراضی نداشتند، چنانکه در عهدنامه های مرزی چهارگانه ایران و عثمانی (عهدنامه ۱۶۳۹ قصر شیرین، عهدنامه ۱۷۴۶، عهدنامه ۱۸۲۳ و ۱۸۴۷ ارض روم)

هیچگاه موضوع حاکمیت و تعیین خط مرزی بین دو کشور در اروند رود تصریح نشده است و دو دولت عملا به طور مشترک در اروند رود اعمال حاکمیت می نمودند. سرانزوله ویلسن که در کمیسیون تعیین حدود سال ۱۹۱۳ میانجی و نماینده دولت انگلیس بود در کتاب خود می نویسد: «روشی که دولتین ایران و عثمانی از آغاز رفت و آمد کشتیها به اروند رود و شاید از خیلی پیش از آن اتخاذ کرده بودند، این بود که هر نوع اعمال حاکمیت در شط تا نقطه ای که هر دو ساحل متعلق به عثمانی می شده است مشترکا اجرا می گشت.» این گفته می رساند در هیچ زمانی موضوع حاکمیت ایران

در اروند رود مورد تردید نبوده و دو کشور در آن رودخانه همواره طبق اصول و مقررات حقوق بین الملل رفتار می نمودند. با این وجود در سال ۱۹۱۳ به موجب پروتکل استانبول حاکمیت بر تمام اروند رود به جز قسمت اندکی در مقابل خرمشهر به عثمانی واگذار شد؛ در همین تاریخ به موجب پروتکل و صورتجلسات تعیین حدود ۱۹۱۴ اراضی وسیعی از ایران جدا و ضمیمه خاک عثمانی گردید. از آنجا که این پروتکل اهمیتی زیاد دارد مبنای عهدنامه مرزی ۱۹۷۵ قرار گرفت. طبق ماده ۲ پروتکل مذکور کمیسیونی مرکب از نمایندگان چهار کشور ایران، عثمانی، روسیه و انگلستان برای تعیین حدود مرزهای ایران و عثمانی و علامت گذاری آنها تشکیل گردید. این کمیسیون ظرف مدت یکسال به کار خود خاتمه داد و در نتیجه آن ۷۰۰ مایل مربع از اراضی متعلق به ایران واقع در شمال و جنوب قصر شیرین به دولت عثمانی واگذار گردید. این اراضی بعدها نام اراضی انتقالی را پیدا کرد و در آن معادن نفت مهمی کشف گردید. امروز قسمت مهم صادرات نفت عراق از چاههای نفت خانقین که جزء اراضی انتقالی است، تأمین می شود. جالب توجه اینکه دولت انگلیس که در قرارداد ۱۹۱۳ صاحب نفوذ بود به منظور حفظ امتیاز ویلیام ناکس داری و عدم وقفه در ادامه عملیات شرکت مزبور در اراضی انتقالی در ماده ۷ پروتکل فوق قید نمود که امتیاز مزبور در کلیه اراضی ایران که منضم به عثمانی

شده برطبق مقررات این موافقتنامه و ضمیمه (پ) آن کاملا به قوت خود باقی خواهد بود.

خوشبختانه پروتکل استانبول و صورتجلسات تعیین حدود ۱۹۱۴ هرگز صورت قطعی و قانونی به خود نگرفت و به تصویب مجلس مقننه دولتین ایران و عثمانی نرسید. دولت ترکیه که جانشین امپراتوری عثمانی شده بود، اعلام کرد که پروتکل استانبول را نمی توان یک سند سیاسی معتبر دانست، زیرا شکلی که برای اعتبار آن لازم باشد به خود نگرفته است، به این مفهوم که نه به تصدیق مجلس عثمانی و نه به تصویب سلطان- رئیس قوه مجریه- نرسیده و لذا باطل و بلااثر می باشد. از جانب دولت ایران نیز چون هرگونه تغییر اراضی و تعدیل حدود دو کشور باید با اطلاع و تصویب قوه مقننه باشد و پروتکل مزبور این شرط اصلی را فاقد بوده بنابراین هیچگاه معتبر و قطعی تلقی نشده است. کشور عراق- جانشین امپراتوری عثمانی در این ناحیه- ادعا می کرد که پروتکل استانبول از ضمیمه عهدنامه ۱۸۴۷ بوده و چون ایران در هفدهمین جلسه کمیسیون مختلط ۱۹۱۲، عهدنامه مزبور را پذیرفته لذا پروتکل ۱۹۱۳ نیازی به تصویب مجدد ایران ندارد. ولی دولت ایران به این اعتقاد بود که اولاً چون نماینده ایران هنگام مبادله اسناد مصوب عهدنامه ۱۸۴۷ با اعضای توضیحات اربعه از حدود اختیارات خود تجاوز نموده معاهده ارض روم نمی تواند معتبر باشد به ویژه که این موضوع با اجبار و اکراه توأم بوده است و ثانیاً بر فرض معتبر بودن عهدنامه ۱۸۴۷ بین مقررات و ترتیبات پروتکل ۱۹۱۳ و عهدنامه ۱۸۴۷ تفاوت فاحشی وجود دارد، به این مفهوم که در عهدنامه ۱۸۴۷ سخنی از حق حاکمیت دو کشور بر

اروند رود به میان نیامده و اصل بر این بوده است که حاکمیت دو کشور برابر باشد. زیرا چنانچه غیر از این بود می بایستی دو کشور مقرراتی در این مورد وضع می کردند در صورتیکه پروتکل ۱۹۱۲، حق حاکمیت بر اروند رود را به عثمانی واگذار کرده است. بنابراین پروتکل ۱۹۱۳ استانبول نمی تواند از ضمیمه عهدنامه بدون اعتبار ۱۸۴۷ محسوب شود. اختلافات طرفین ادامه داشت تا اینکه در ۱۹۳۷ عهدنامه دیگری براساس عهدنامه ارض روم ۱۸۴۷ و پروتکل استانبول ۱۹۱۳ و صورتجلسه های تعیین حدود ۱۹۱۴ بین دو کشور به امضا رسید. طبق این عهدنامه، مرز دو کشور در اروند رود به جز در مقابل بندر آبادان و خرمشهر که اساس خط تالوگ تعیین

گردیده، ساحل ایرانی اروند رود معین شده است. علت انکار چنین عهدنامه ای از جانب ایران در ۱۹۳۷ (۱۳۱۶ شمسی) اوضاع و احوال آن برهه زمانی و فشار دولت بریتانیا بود. جهان به سوی جنگ جهانی دوم پیش می رفت و ایران علاقمند بود با انعقاد پیمان سعدآباد اتحادی از کشورهای ایران، عراق، ترکیه و افغانستان

به وجود آورد. به همین جهت فقط ۴ روز پس از امضای عهدنامه در هشت ژانویه ۱۹۳۷ پیمان سعدآباد بین کشورهای مزبور به امضا رسید. در نتیجه باید گفت توافق ایران و عراق بیش از آنکه جنبه حقوقی داشته باشد از جنبه سیاسی برخوردار بود. عهدنامه ۱۹۳۷ نیز به اختلافات ایران و عراق خاتمه نداد و حتی با انقلاب ژوئیه ۱۹۵۸ عراق، به اختلافات طرفین افزوده شد. با سقوط رژیم سلطنتی در عراق تشابه و همسویی دو رژیم از بین رفت. اوج بحران در روابط دو کشور در سالهای ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ بر سر اروند رود بروز کرد و مجدداً در سال ۱۹۶۸ که حزب بعث در عراق به قدرت رسید اختلاف دو کشور وارد مرحله جدیدی شد و تا سال ۱۹۷۵ با شدت و ضعف ادامه داشت تا اینکه وساطت الجزایر مطرح شد و به

قرارداد ۱۹۷۵ انجامید.

۶- اصطلاح تالوگ یا اصل تالوگ به این مفهوم در اواخر قرن هجدهم وارد حقوق بین الملل گردید. برای اولین بار این واژه در کنگره رایشاد ۱۷۹۷ و در عهدنامه ۱۸۰۱ لونیوی به کار گرفته شد. اصل تالوگ بعداً در قراردادهای صلح ۱۸۵۹، ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ پذیرفته شد.

۶- اصطلاح تالوگ یا اصل تالوگ به این مفهوم در اواخر قرن هجدهم وارد حقوق بین الملل گردید. برای اولین بار این واژه در کنگره رایشاد ۱۷۹۷ و در عهدنامه ۱۸۰۱ لونیوی به کار گرفته شد. اصل تالوگ بعداً در قراردادهای صلح ۱۸۵۹، ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ پذیرفته شد.